

پس از عرض سلام و احوال پرسی همه جان دست شما را از
راه دور می پوسم و سلامتی شما و خانواده عزیزتان را از فوکنگ
فاصله از خداوند متعال خواستارم و امیدوار هستم که آنجا روزهای
خوب و پر نشاط با فرزندان خوشینی داشته باشید.

همه جان همه اکنون که این نامه را می نویسم در ظهر روز یازدهم آذر ماه
می باشم که از دور شما ناراضی بودم و عکسی که ما از شما داریم دیدم
و در صدد بودم که از حال و احوال شما یا چیزی بشوم چونکه همه جان
شما و فرزندان جانی پس رسید در قلب ما اشغال کرده اند که
من و خانواده ام و همه چیز غمناک و خندان همیشه بیاد شما هستیم
و در اکثر مواقع از محبت و مهر که شما دارید من یا خوش زندان
«مادر» صحبت می کنیم همه جان فاصله ها دور است ولی قلب ما
یکجا است و شما با آن یادگارها که پر جایی گذارنده اند همیشه
از یاد ما بیرون نمی رود.

همه جان سلام کنم پدر و مادر و همچنین فرزندان و نوه ها و همه خوش و در
دور و نزدیک را به خود و خانواده است می رسد و امیدوارم از
این نامه تغییر و تحولی که بهر صحبت و دوستی فاصدی را در کارها نکرده
هر چه آورده شما را بهر لحظه از غم غم آن کند و آرزو دارم همه جان
از جانب ما بیرون و مورد دمسرشی و فرزندان و نوه ها را بوسه ای بزنند

و دیگر بیداریان کسانی هستند که مشتاق دیدار شما هستند ولی
هین که جنگ و موقعیت بسختی ایجاب می کند که دیدارها
تازه نشود. همه جان مزارم وقت گرانمای شما بیست و
این بی تو هم و در انتظار هستم که جواب نامه را بسیار زود
بدریم بفرستید و از موقعیت آنها از حقوق محضی هوکار بداریم
تو صبر دهید اگر از صحتی موجب نمی شود قبل از همکار شما
مشکریم. مذاها عقد و بستن شما

جماد سلطانی
۳۴/۱۱

~~Ali Rza~~
~~Soltane~~